

هو الصانع



# آلمانے ھا چگونه، کشورشان را اداره مے کنند؟

دکتر مجتبیٰ لشکر بلوکی

درس های کشورداری و توسعه ای آلمان برای ایران



آیا آلمان یک کشور ایده‌آل است؟

آلمانی‌ها کشورشان را چگونه اداره می‌کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی

# هشت نقطه ضعف به عنوان نمونه

○ پیش از هر چیز بگویم که آلمان کشور بی عیب و نقصی نیست. ایرادات بسیاری به آلمان وارد است. هم خود آلمانی‌ها و هم جهانیان معتقدند که آلمان ایدئال نیست اما هر کشوری، تاکید می‌کنم هر کشوری نکات خوبی برای آموختن دارد و در این میان آلمان حتما جزو کشورهای منتخب برای آموختن است.

○ قبل از آن که از نکات مثبت و آموختنی آلمان بگویم، می‌خواهم به چند نقطه ضعف آلمان اشاره کنم که یادآوری کرده باشم گفتن از نقاط قوت (الهام‌بخش و آموختنی) اصلا به معنای نادیده گرفتن نکات منفی (ناپسند و ناخواستنی) نیست. از نکات منفی به عنوان نمونه به هشت مورد اشاره می‌کنم:

**× سیستم درمان آلمان به گونه ای است که دریافت نوبت برای معاینات پزشکی که با بیمه‌های دولتی کار می‌کنند بسیار دشوار و دیرپاب است.**

**× فرهنگ تعاملات و معاملات دیجیتالی آن میزانی که از کشوری پیشرفته انتظار داریم، رایج نیست و انجام این‌گونه معاملات گاه با سختی‌های زیادی همراه است. مثلا سوپر اپلیکیشن اسنپ که به جز تاکسی اینترنتی ویترونی از خدمات متنوع است در آلمان یافت نمی‌شود!**

# هشت نقطه ضعف به عنوان نمونه

x امور اداری ساده گاهی دو هفته زمان می برد. به عنوان نمونه "کپی برابر اصل" نیاز به وقت قبلی دارد و اگر بدشانس باشید بیشتر از دو هفته منتظر بمانید

x بسیاری از امور ساده نیازمند کاغذبازی، نامه‌نگاری و پست است. هنوز استفاده از پست الکترونیک، اپلیکیشن‌ها و پیامک در آلمان - آن میزانی که از یک کشور جهان اولی انتظار داریم - رواج ندارد.

x سیاست‌ها و مقررات حوزه مسکن در آلمان در برخی حوزه‌ها چندان موفق نبوده است. عرضه مسکن کافی نبوده، قیمت مسکن در این سال‌ها بالا رفته و پیدا کردن خانه سخت‌تر شده است.

سه مورد بالا منجر به این می‌شود که پیدا کردن خانه و نیز تعویض آن، بسیار سخت شود و متضمن مکاتبات زیاد. احتمالاً شما باید بیش از ۱۰ نامه‌نگاری یا مراجعه حضوری انجام دهید. یک بار با صاحبخانه قبلی، لغو قرارداد با تامین‌کننده برق و اینترنت و همچنین برای خانه جدید...

# هشت نقطه ضعف به عنوان نمونه

x امور بانکی و مالی نسبت به ایران دشوارتر، غیرمنطقی‌تر و پیچیده‌تر است. البته این پیچیدگی‌ها دو دلیل دارد یکی حفاظت از داده‌های شخصی و امنیت اطلاعات و دیگری مساله پولشویی که البته هر دو منطقی هستند اما با این حال می‌تواند سریع‌تر و بهتر انجام شود.

x معروف است که هر شهر و هر ایالت قوانین خودشان را دارند! (این به خاطر سیستم فدرالی و خودمختاری ایالت‌ها در برخی حوزه‌هاست).

x قوانین مربوط به طلاق، عیب و پیچیده است و همین باعث می‌شود که برخی اصلا تصمیم بگیرند که ازدواج رسمی نکنند.

در نوشتن این هشت نمونه تاکیدم به مواردی بود که به نوعی به کشورداری برمی‌گردد و به نقاط ضعفی که در مورد زندگی در آلمان می‌گویند کاری ندارم (مواردی از قبیل گران بودن امور خدماتی مثل نصب کابینت، تعطیل بودن تمام مغازه‌ها در روزهای یکشنبه، سرد بودن هوا، متغیر بودن هوا، غیرصمیمی بودن آلمانی‌ها و ...)

حالا برویم سراغ نکات مثبت الهام بخش و آموختنی



# ۵ نکته آموزشی از آلمانی‌ها!

- گران فروشی کنید!
- به مادرت احترام بگذار!
- از کوره آدم‌سوزی تا کارخانه آدم‌سازی!
- بی‌پدر باش، بی‌آدرس نباش!
- درست طراحی کن! لذتش را ببر!

آلمانی‌ها کشورشان را چگونه اداره می‌کنند؟

دکتر مجتبی لشکر بلوکی



کران فروسی کنید!

آلمانی ها کشورشان را چگونه اداره می کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی

# گرانے پیداد می کند!

- مقایسه های بین المللی نشان می دهد که آلمان یکی از گران ترین برق های جهان را دارد. متوسط قیمت انرژی ماهانه برای خانوارها حدود ۶۰ تا ۱۱۰ یورو است که عدد بالایی است! بالاترین قیمت برق خانگی در اروپا متعلق به آلمان ۳۶.۱ سنت برای هر کیلووات است و سپس دانمارک با ۳۴ سنت. فکر نکنیم همه جا این میزان برق گران است قیمت هر کیلووات ساعت در آلبانی ۱۰ سنت است (یعنی یک سوم آلمان) (↩)
- علاوه بر برق، قیمت آب نیز در آلمان بالاست همچنین قیمت بنزین و سایر حامل های انرژی. این باعث شده که آلمانی ها هم مقتصد باشند هم مصرف کننده هوشمند. دیگر آلمانی ها عادت کرده اند که تا آخرین دقیق روز، چراغ های خانه روشن نباشد. یا فقط یک چراغ کم مصرف روشن باشد!
- حالا مقایسه کنیم با ایران. حدس بزنید که این عدد در ایران چقدر است؟
- قیمت برق ۱۲۰ تومان به ازای هر کیلووات ساعت (↩) به قیمت دلار ۳۰ هزار تومان می شود ۰.۴ سنت. این یعنی قیمت برق آلمان ۹۰ برابر ایران است (↩). بلافاصله خواهید گفت که سطح درآمد در آلمان و ایران قابل مقایسه نیست. بگذارید درآمدها را نیز وارد معادلات کنیم. درآمد سرانه (بر اساس برابری قدرت خرید) آلمان در سال ۲۰۲۰، ۵۵ هزار دلار و برای ایران ۱۳ هزار دلار بوده است.

**در طول گزارش هر جا علامت ↩ را دیدید به معنای لینک به مرجع بیرونی است و می توانید روی آن کلیک کنید. به این نکته توجه کنید که گاهی اوقات ممکن است آن سایت فیلتر باشد**



# معنا این اعداد چیست؟

تمام اعداد در زمانی که گزارش تهیه شده به روز هستند ولی ممکن است زمانی که شما به منابع و رفرنس ها و لینک‌هایی که در طول گزارش با ↗ مشخص شده قیمت های روز یا متغیرهای اقتصادی و اجتماعی تغییر کرده باشد.

- قیمت هر کیلو وات ساعت در آلمان ۹۰ برابر ایران است! آلمانی ها ۹۰ برابر هزینه بیشتری می پردازند!
- آلمانی ها برای ۵ مگاوات در سال ۱۸۰۰ دلار و ما ایرانی ها ۲۰ دلار می پردازیم. در حالی که درآمد سرانه آلمانی‌ها فقط ۴ برابر ایرانی هاست.
- اگر بخواهیم قدرت خرید آلمانی ها را وارد محاسبات کنیم آنگاه هزینه انرژی (برق) به نسبت درآمد آلمانی ها ۲۲ برابر ایرانی هاست!

	نسبت هزینه برق به درآمد سرانه	هزینه مصرف پنج مگاوات برق به دلار	درآمد سرانه (تعدیل شده با برابری قدرت خرید ۲۰۲۰) (↗)	قیمت هر کیلووات ساعت به سنت
آلمان	۳.۳۳%	۱۸۰۵	۵۵۷۷۰	۳۶.۱
ایران	۰.۱۵%	۲۰	۱۳۳۰۰	۰.۴
آلمان به ایران	۲۲	۹۰	۴.۲	۹۰

آلمانی ها کشورشان را چگونه اداره می کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی

# آلمانی‌ها چگونه کشورشان را اداره می‌کنند؟

○ آلمانی‌ها کشورشان را بر اساس قیمت‌های واقعی اداره می‌کنند. کاری می‌کنند که قیمت‌های واقعی منجر به انتخاب‌های عقلایی شود. این گران‌فروشی یا بهتر بگوییم قیمت‌های واقعی در برابر رایگان‌بخشی باعث می‌شود که مصرف انرژی ایران و آلمان برابر شود!!!

○ در حالی که اندازه اقتصاد ایران کمتر از یک دهم اقتصاد آلمان است، مصرف برق دو کشور تقریباً به یک اندازه است؛ البته بخش بزرگی از انرژی در ایران به خاطر مدیریت غلط و بهره‌وری پایین در همان مرحله تولید و توزیع از بین می‌رود. (↖)

○ وقتی به مصرف انرژی در کشور نگاه می‌کنم به این نتیجه می‌رسم که ما ملتی هستیم که منابع دارد اما منابعش منجر به رفاه نمی‌شود! ملتی که مصرف را با اسراف اشتباه گرفته است. ملتی که می‌توانست با درست مصرف کردن، از صادرات برق یا حتی استخراج رمزارز درآمد داشته باشد اما ... به قول دکتر رنانی: **بابا آب داد، اما عقل نداد!**

# آلمانی‌ها چگونه کشورشان را اداره می‌کنند؟

○ آلمان منابع محدود دارد و به خاطر جمعیت زیاد، هوای سرد و اقتصاد بزرگ، مصرف کننده بزرگ انرژی است و همچنین منابع انرژی هسته ای خود را به دلایل محیط زیستی تعطیل کرده به همین خاطر قیمت ها باید هم در آلمان بالا باشد به همین دلیل آلمان بر اساس قیمت های واقعی و برای مصرف پایدار طراحی شده است.

○ وقتی در آلمان زندگی می‌کنی، به خوبی متوجه حساسیت آلمانی‌ها به صرفه جویی، مصرف اقتصادی و حفاظت از محیط زیست می‌شوی.

• به عنوان مثال وقتی نزدیک پله های برقی می‌شوی، خراب به نظر می‌رسند ولی زمانی که نزدیک شوید، پله برقی به کار می‌افتد. چرا وقتی مردم از آن استفاده نمی‌کنند باید دائماً کار کند؟ کلید اتاق هتل شما برای روشن کردن چراغ‌ها لازم است تا نتوانید چراغ‌ها را در تمام روز روشن بگذارید و وقتی آنجا نیستید انرژی را هدر دهید. [هر دو مثال در ایران هم هست اما کمتر و البته با تاخیر نسبت به سایر کشورها با امید به بیشتر شدن این فرهنگ خوب]

• ساختمان‌ها مصرف انرژی خود را نشان می‌دهند و حتی بوندستاگ (پارلمان ملی) آنها برمبنای کاهش مصرف انرژی و تکیه بر انرژی خورشیدی طراحی شده. (↩)

# شدت انرژی مساوی است با شدت ناکارآمدی کشور

○ شدت انرژی بالا، معیاری از ناکارآمدی اقتصاد یک کشور در قبال بهره برداری از انرژی است. اگر شدت مصرف انرژی در کشور الف دو برابر کشور ب باشد یعنی کشور الف برای تولید یک میزان کالا و خدمات دو برابر کشور ب انرژی مصرف کرده است. شدت انرژی در ایران نزدیک به ۸ مگاژول بر دلار برآورد می شود، این شاخص در آلمان کمتر از نصف شاخص شدت انرژی در ایران است. به عبارت دیگر برای تولید یک واحد کالا و خدمات ما در ایران دو برابر بیشتر انرژی مصرف می کنیم. (↖) (منابع ۱، ۲ و ۳)

○ بر اساس معیاری دیگر داده های بانک جهانی برای ۱۰۰۰ دلار تولید ناخالص داخلی ایران ۲۳۴ واحد و آلمان ۷۴ واحد انرژی مصرف می کند. این یعنی ما ۳.۲ برابر آلمان برای ایجاد ۱۰۰۰ دلار ارزش اقتصادی انرژی دود می کنیم! (↖)

○ ای کاش فقط در مورد انرژی این گونه بود، میزان بهره وری آب آلمان ۳۰ برابر ایران است (↖). دقت کنید که ما در کشوری هستیم که بحران آب از رگ گردن به ما نزدیک تر است.

بخش بزرگی از تصمیمات ما آدم‌ها بر اساس تحلیل هزینه و منفعت است. ما در مصرف روزانه غذا، آب، نان، برق، گاز و هر چیز دیگری مانند کاغذ، بستنی، ماشین بر اساس هزینه-منفعت تصمیم‌گیری می‌کنیم. اگر قیمت، نامعقول، نادرست و ناچیز باشد، تصمیمات ما خودآگاه و ناخودآگاه تاثیر می‌پذیرد. کشوری که در آن قیمت‌ها بازتاب واقعیت نباشد نباید انتظار داشت رفتار مردمش معقول و مقتصدانه باشد.

## درس اول

○ می دانم که با خواندن این بخش از گزارش برخی از شما شروع خواهید کرد به قضاوت منفی. خواهید گفت که فلانی دارد افزایش قیمت ها را توجیه می کند. فلانی شکمش سیر است. فلانی از دولت پول می گیرد. فلانی از درد مردم بی خبر است. تمام این حمله ها و انتقادها را می توانم پیش بینی کنم و می توانم ژست پوپولیستی (عوام دوستانه) بگیرم و در نقش یک قهرمان باشم ولی من ترجیح می دهم حرف درست را منتقل کنم ولو آنکه منجر به ناراحتی شما و من شود.

○ بنابراین به جای آنکه قضاوت کنید و به من برچسب بچسبانید، جهانی را تصور کنید که قیمت ها واقعی است و رفتار اقتصادی ما معقول شده و منابعی که از فروش انرژی بدست می آید می تواند صرف افزایش رفاه واقعی جامعه شود. و در ضمن به خاطر مصرف صحیح سهم نسل های بعدی را پیش خور نمی کنیم و به نسل بعدی یک **زمین سراسر سوخته** تحویل نمی دهیم. من نیز مانند شما یک انسانم و از رایگان و ارزان بودن امور به شدت لذت می برم ولی حاضر نیستم دست در جیب نسل آینده کنم!



به مادرت احترام  
بگذار!

# تفکیک زباله‌ها به ۱۳ قسمت

تفکیک زباله در آلمان هم امری قانونی است و هم فرهنگی. تفکیک زباله در مبدا بسیار تخصصی انجام می‌شود. زباله‌ها به ۱۳ بخش تقسیم می‌شوند!!

• **دسته اول** پسماندهایی مانند قوطی کنسرو، میخ، پیچ، قوطی اسپری خالی و ظروف محصولات لبنی که در **سطل زرد** انداخته می‌شوند.

• **دسته دوم** کاغذ و مقوا، کیسه‌های کاغذی، روزنامه‌ها، کاتالوگ‌ها، کارتن‌ها، بسته‌های سیگار و غیره که در **سطل آبی** قرار می‌گیرند.

• **دسته سوم** زباله‌های خانگی و آشپزخانه مثلا قهوه و چای، میوه‌ها و سبزیجات، تخم مرغ، برگ‌ها و غیره که در **سطل‌های قهوه‌ای** انداخته می‌شود.

• **دسته چهارم** باقی زباله‌های خانگی مانند ته سیگار و پوشک بچه جزو این گروه از زباله‌ها هستند که معمولا مربوط به **سطل مشکی** است

در شهرهای بزرگ، تقریبا درحیاط خلوت هر ساختمان، چند زباله‌دانی مجزا و بزرگ وجود دارد.





# تفکیک زباله‌ها به ۱۳ قسمت



دسته هفتم:  
ششپه‌های قهوه‌ای

دسته ششم:  
ششپه‌های سبز

دسته پنجم:  
ششپه‌های سفید

آلمانی‌ها کشورشان را چگونه اداره می‌کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی

# تفکیک زباله‌ها به ۱۳ قسمت

○ **دسته هشتم: لباس و کفش‌های کهنه:** باکس‌های بزرگ، مخصوص جمع‌آوری لباس‌هایی که نمیخواهید استفاده کنید یا حتی کنار خیابان می‌بینید، در همه منطقه‌ها به چشم می‌خورند.

○ **دسته نهم: زباله‌های خاص:** داروها، مواد شوینده، باتری‌ها، لامپ‌های فلورسنت، حشره‌کش‌ها و ظروف باقیمانده رنگ و چسب از جمله زباله‌های خاص و یا خطرناک محسوب می‌شوند. این موارد باید بصورت جداگانه بسته‌بندی و به مکان‌های مخصوصی منتقل شوند. برای جمع‌آوری این زباله‌ها در هر منطقه یک مکان مخصوص بنام **Recyclinghof** وجود دارد.

• **دسته دهم: لوازم برقی کهنه:** تمام دستگاه‌ها و وسایلی که با برق کار می‌کنند، شامل زباله‌های الکتریکی هستند. در بعضی ایالت‌ها و شهرها، در کنار بقیه سطل زباله‌ها، زباله‌دانی‌های مخصوص برای لوازم برقی کوچک هم وجود دارد اما در بیشتر مناطق باید زباله‌های الکتریکی را به مکان‌های مخصوصی که برای جمع‌آوری و بسته‌بندی در نظر گرفته شده انتقال دهید.

• **دسته یازدهم: زباله‌های بزرگ:** این زباله‌ها شامل اقلام بزرگ و لوازم خانگی مثل مبل هستند که ایام خاصی از سال سازوکاری برای جمع‌آوری آن‌ها وجود دارد همچنین هر کسی حق دارد دو بار در سال چهار مترمربع زباله بزرگ با هماهنگی دقیق برای یک تاریخ مشخص بیرون بگذارد.

# زباله بده، پول بگیر



آلمانی‌ها کشورشان را چگونه اداره می‌کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی

# تفکیک زباله‌ها به ۱۳ قسمت

- **دسته سیزدهم:** باطری‌ها! بله البته باطری‌ها می‌توانند در دسته نهم هم جای گیرند اما برای راحتی همه سوپرمارکت‌های بزرگ جایی دارند برای تحویل باطری‌های قلمی!
- تفکیک زباله‌ها طبق قانون الزامی است و اگر در انجام این کار اشتباه کنید، ممکن است با جریمه نقدی مواجه شوید. آلمانی‌ها این کار را بسیار جدی می‌گیرند.
- اگر در یک آپارتمان بزرگ زندگی می‌کنید، اگر فرد قانون شکن را در کل ساختمان پیدا نکنند، جریمه را از همه ساکنین به عنوان هزینه‌های اضافی ساختمان درخواست می‌کنند.
- اگر زباله‌ها را به طور غیرقانونی در جنگل یا کنار جاده رها کنید و یا بسوزانید باید جریمه بپردازید. اگر زباله‌های شما خطری برای محیط زیست ایجاد کند شدیداً پیگرد قانونی دارد و می‌تواند منجر به جریمه‌های بسیار بالا حتی زندان رفتن فرد متخلف شود (↖).
- نمونه واقعی: یک غیرآلمانی مقیم آلمان یک‌بار به خاطر عدم رعایت تفکیک زباله ۲۵۰۰ یورو (معادل ۸۰ میلیون تومان) جریمه شده بود.

# بالاترین نرخ بازیافت زباله در جهان

○ به گزارش مجمع جهانی اقتصاد، آلمان دارای بهترین نرخ بازیافت زباله در جهان است (↗)(↘). آخرین عدد گزارش شده عدد اعجاب آور ۶۸٪ است در حالی که این نرخ در کشوری مثل فرانسه ۴۰ و در آمریکا ۳۵٪ است.

○ آنچه در مورد زباله ها گفتیم نمونه کوچکی بود از حساسیت توامان دولت و مردم آلمان به محیط زیست. محیط زیست (زمین) در آلمان مانند یک مادر محترم است. «مادر زمین» قدر دانسته می شود. بخشی از کارهای دیگر آلمانی ها عبارتند از:

- کاهش سهم زغال سنگ در تولید انرژی
- بسته شدن آخرین نیروگاه هسته ای تا ۲۰۲۲
- آزادی معقول فعالیت و اعتراض فعالان زیست محیطی
- اهتمام به حفظ گونه های مختلف زیستی و جانوران
- تقویت فرهنگ و تمهید زیرساخت های دوچرخه سواری
- و ....



استفاده از دوچرخه‌ها نقش بسزایی در کاهش نیاز به استفاده از سوخت‌های فسیلی در آلمان ایفا می‌کنند. آلمانی‌ها ۷۲ میلیون دوچرخه و ۲.۵ میلیون دوچرخه الکتریکی دارند. بنابراین، از نظر آماری، به طور میانگین تقریباً هر یک از ۸۲ میلیون نفر جمعیت آلمان یک دوچرخه دارند. (↖) اینکه شما در خیابان ببینید یک خانم ۶۵ ساله با دوچرخه به اداره پست می‌رود، امری عادی است.

آلمانی‌ها کشورشان را چگونه اداره می‌کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی

رتبه آلمان در شاخص عملکرد زیست محیطی:  
۱۳ در بین کشورهای جهان



# وضعیت زیست محیطی آلمان مطلوب است؟

آلمانی ها کشورشان را چگونه اداره می کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی

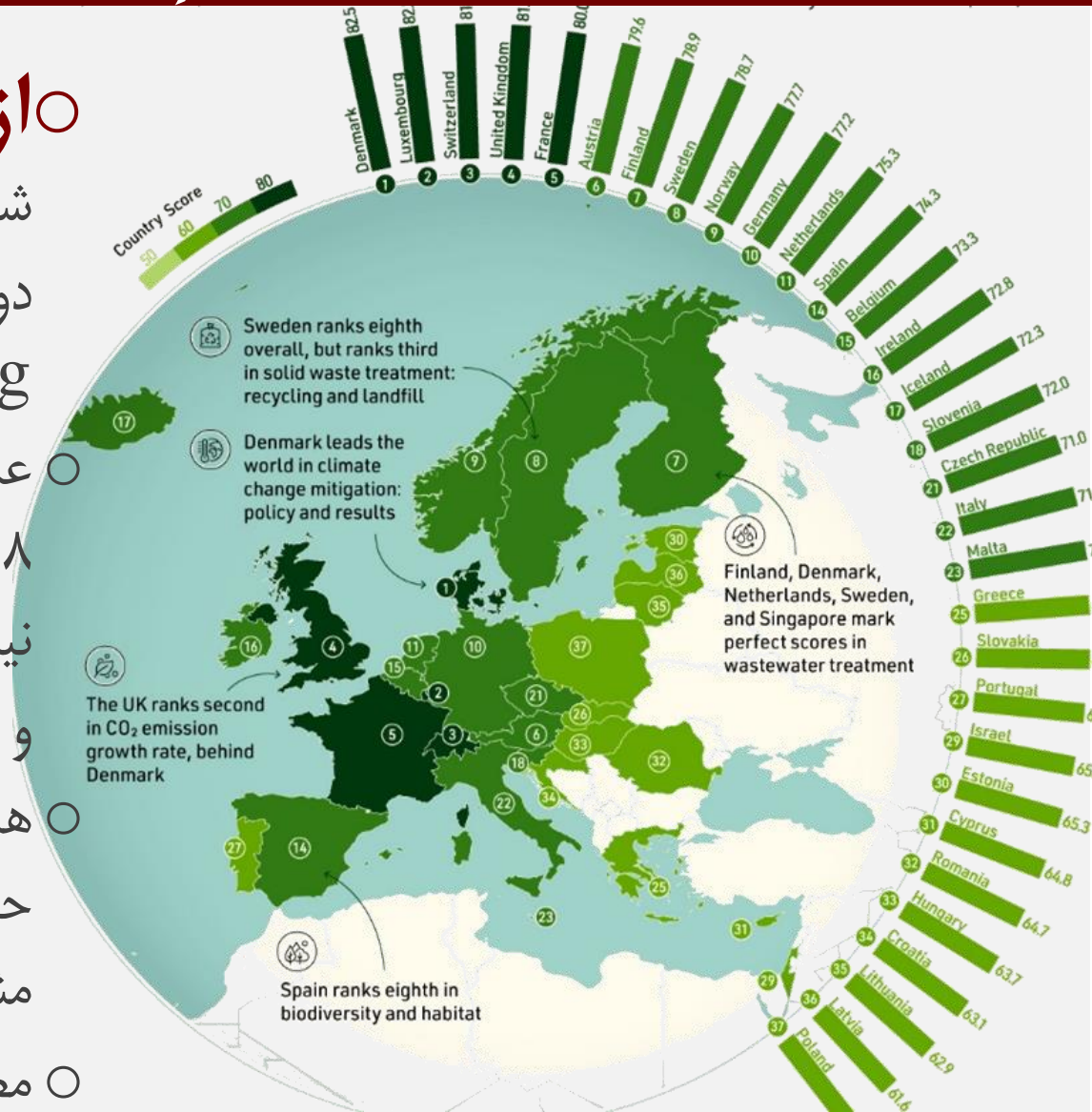
○ از نظر خود آلمانی ها، نه! با آنکه بر اساس

شاخص های بین المللی، آلمان جزو ۲۰ کشور محیط زیست دوست هستند و جزو ده کشور برای زندگی سبز است (↗)

○ عملاً دولت این کشور بیش از ۶۵ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۸ به یارانه های آلاینده محیط زیست اختصاص داده. نیمی از این یارانه ها مربوط به استفاده از وسایل نقلیه هوایی و زمینی است (↗).


○ هر چند آلمان در زمینه بازیافت از کشورهای پیشرو به حساب می آید اما در عین حال در میزان بالای تولید زباله مشهور است.

○ مصرف کاغذ برای تبلیغات در آلمان بیداد می کند. آلمان یک جامعه مصرفی است و هنوز با ایدئال فاصله زیادی دارد.





آلمانی‌ها، به توصیه اخلاقی بسنده نمی‌کنند بلکه با ترکیبی از دو عامل آموزش‌های مداوم و خستگی‌ناپذیر (حساس‌سازی و هنجارگذاری جمعی) و قوانین شفاف (موثر بر انگیزه‌های منفعت شخصی) همراه با ضمانت اجرایی توانسته‌اند یکی از بهترین کشورهای دنیا باشند. از یک طرف نظام انگیزش فردی را درست معماری کرده‌اند و از طرف دیگر هنجارهای جمعی را. آلمانی‌ها اهل شوخی نیستند اگر چیزی مهم است برایش قانون با ضمانت اجرایی بالا وجود دارد. قانونی که به اندازه کافی جذاب یا ترسناک باشد.

An aerial photograph showing a circular asphalt road that completely encloses a large, dense green tree canopy. The road is a light grey color and has a smooth, continuous curve. The surrounding forest is lush and green, with some darker patches of trees visible in the upper right quadrant. The overall scene is a striking contrast between the man-made road and the natural forest.

**مانیز باید بیاموزیم به مادرمان احترام بگذاریم!  
منتها این صرفا باتوصیه اخلاقے محقق نمے شود**

**آلمانی ها کشورشان را چگونه اداره می کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی**

**مرگ هر بوته سبز؛ مرگ ما انسان هاست.**

یک بار این است که تمام بیلبردها و برنامه های تلویزیونی را پر کنیم از این جملات زیبا، ولی با این جملات زیبا نمی شود کشور را اداره کرد. بلافاصله هم می گوئیم فرهنگ سازی و فرض ما در فرهنگ سازی صرفا آموزش است که البته باید باشد. اما فرهنگ، ته نشین رفتارها و تصمیمات و اقدامات تکرار شونده ماست و برای آنکه یک رفتار جدید ایجاد و تکرار شود باید انگیزه آدم ها را با پاداش و جریمه تحریک کرد با قانون های جذاب یا ترسناک!

## درس دوم



از کوره آدم سوزی  
تا کارخانه آدم سازی

آلمانی ها کشورشان را چگونه اداره می کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی

# وقتی ناخواسته، آدم می شویم!

○ همه ما چیزهایی در مورد کوره‌های آدم‌سوزی آلمانی‌ها شنیده ایم. حالا بد نیست در مورد کارخانه آدم‌سازی آلمانی‌ها هم بشنویم.

○ یکی از کارخانه‌های آدم‌سازی آلمانی‌ها، سیستم رانندگی و ترافیکی است. از همان روز اول که می‌خواهید گواهینامه بگیرید تا زمانی که می‌خواهید رانندگی کنید و نیز زمانی که گواهینامه شما تمدید می‌شود. همه امور به گونه‌ای طراحی شده که شما تبدیل به یک فرد منضبط، قانون‌دان و قانون‌پذیر می‌شوید. **به تعبیر ظریفی که به طنز می‌گفت: شما نادانسته و ناخواسته آدم می‌شوید!** چند نکته جالب را در این مورد با هم مرور کنیم.

○ هر شهروند آلمانی برای دریافت گواهینامه، باید مبلغی در حدود ۱۵۰۰ یورو هزینه کند (به پول ایران ۵۰ میلیون تومان بر مبنای قیمت یورو ۳۴ هزار تومان). این مبلغ آنقدر بالاست که گاهی اوقات جوانان چند ماه کار می‌کنند تا بتوانند هزینه‌های آن را پرداخت کنند. همین پرداخت هزینه باعث می‌شود که افراد بعد از دریافت گواهینامه قدر آن را بدانند و چون برای دو سال هم به صورت موقت داده می‌شود بسیار مواظب باشند که آن را از دست ندهند و دست از پا خطا نکنند. کفایت بدانید که با ۱۵۰۰ یورو می‌توانید یک ماشین دست دوم بخرید

# جرمن استایل ندار؟ پسرها!

- زمان مطالعه برای تسلط به امتحان آیین نامه (تئوری) در آلمان بیش از ۱۰ برابر ایران است. حدود ۱۳۰۰ سوال استاندارد طراحی شده که تسلط به آنها بسیار زمان می برد تا بتوانید در آزمون شرکت کنید. تعداد سوالات آنقدر زیاد است که شما مجبورید بارها و بارها تست های تمرینی انجام دهید و همین باعث می شود که نکات کلیدی چون توجه ویژه به کودکان، دوچرخه سواران، سالمندان و حق تقدم در ذهن شما تا ابد حک شود.
- برای کسانی که در ایران رانندگی کرده اند تعدد علائم راهنمایی در آلمان بسیار عجیب است. علاوه بر تعدد، اهمیت آن هم زیاد است و شما در هر لحظه از رانندگی باید حواستان به علائم راهنمایی باشد. [البته تعدد علائم و مقررات را برخی جزو نقاط ضعف برمی شمرد]
- یک ایرانی تعریف می کرد که بعد از ۱۲ سال رانندگی بدون حتی یک تصادف وقتی می خواست گواهینامه بگیرد حسابی به دردسر افتاده بود. مربی اش می گفت: راننده خوبی هستی ولی سبک رانندگی ات آلمانی نیست. به اصطلاح German Style نداری. مثلا مربی می گفت در آلمان وقتی چراغ سبز است یعنی سبز است (!Grün ist grün) و باید سریع حرکت کنی. ولی این فرد می گفت به صورت ناخودآگاه عادت کرده بودم علاوه بر چراغ سبز دور و برم را محض احتیاط دوباره چک کنم و این باعث اتلاف زمان می شد.

# رقص گردن آلمانی‌ها یا شولتریک



آلمانی‌ها کشورشان را چگونه اداره می‌کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی

اولین باری که با یک آلمانی در یک منطقه شهری همسفر شدم متوجه شدم که این آلمانی در حال رقص گردن است. همیشه سر خود را حرکت می‌دهد اول فکر کردم که او اینگونه است اما بعدها که خودم برای امتحان رانندگی رفتم متوجه شدم که در تمرین عملی یکی از مهم‌ترین چیزها همین **شولتر بلیک!** است یعنی برگرداندن سر به سمت شانه‌ها برای دیدن نقاط کوری که در آینه نمی‌بینید. در صورتی که ما ...

# کوچه نجات



در آلمان در برخی جاده ها در زمان ترافیک، رانندگان باید به طرفین جاده حرکت کنند تا یک لاین جدید برای عبور احتمالی وسایل نقلیه اضطراری باز شود. که به آن می گویند کوچه نجات. مردم نیز چنین می کنند. آیا به این خاطر است که مردم آلمان با فرهنگ هستند؟ خیر! مساله چیز دیگری است.

آلمانی ها کشورشان را چگونه اداره می کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی



# مساله فقط فرهنگ و انسان دوستی است؟

- افرادی که کوچه/مسیر نجات لازم را تشکیل نمی‌دهند می‌توانند مشمول ۳۲۰ یورو جریمه و ۲ امتیاز منفی و یک ماه ممنوعیت رانندگی شوند.
- در آلمان اگر فردی از مجروحین و مصدومین یک حادثه عکس یا فیلم بگیرد، حتما تحت پیگرد قرار گرفته و ممکن است حتی زندانی نیز شود. برعکس ما که در شرایط اضطراری همه موبایل به دست می‌شوند، شهروندان آلمانی در شرایط مشابه موظف به کمک رسانی هستند.
- برای اخذ گواهیه رانندگی همه دوره کمک‌های اولیه می‌بینند. و چنانچه فردی در شرایط اضطراری از کمک رسانی خودداری کند، در صورت محکومیت زندانی خواهد شد. (↖)
- این‌ها نمونه‌های کوچک و محدودی بودند. مجموعه قواعد عرفی و قوانین رسمی بسیار بیش از این‌هاست.

**مجموعه قواعد عرفی و قوانین رسمی حاکم بر محیط باعث می‌شود که شما ناخواسته منضبط، قانون دان و قاعده پذیر شوید و این قاعده مند به حوزه‌ها دیگر هم سرایت پیدا کند و در فرهنگ جمعی ته نشین شود.**

ما اکنون حدود ۱۵ میلیون دانش آموز داریم که به صورت متوسط ۱۲ سال و در هر سال به طور متوسط ۱۰۰۰ ساعت مفید وقت خود را یا در مدرسه می گذارند یا به امر آموزش و پرورش تخصیص می دهند، بنابراین ۱۸۰ میلیارد ساعت در اختیار ماست تا نسلی را پرورش دهیم که توسعه گرا باشند. تغییر محتوای آموزشی به گونه ای که به جای آنکه حافظه محور باشد، فضیلت محور باشد می تواند کلید پرورش نسل بعدی باشد. فضیلت هایی مانند آگاهی از حقوق خود و احترام به حقوق دیگران و احترام به مثلث طلایی «زمان، قاعده و برنامه» که همه لازمه توسعه کشورند.

**درس سوم**

آلمانی ها کشورشان را چگونه اداره می کنند؟

دکتر مجتبی لشکر بلوکی



بی ادب باش  
بی آدرس نباش!

# مشکلات ایرانی

- بگذارید با چند مساله که با آن ها دست به گریبان هستیم شروع کنیم.
- حتما شنیده‌اید موقع انتخابات برخی را با مینی‌بوس و اتوبوس و یا وانت از یک حوزه انتخابیه جمع می‌کنند و می‌برند در یک حوزه انتخابیه دیگر رای می‌دهند؟ راست و دروغش با گویندگان.
- اگر فردا اعلام شود که به خاطر کرونا افراد فقط می‌توانند به نزدیک‌ترین فروشگاه مراجعه کنند و مایحتاج خود را بخرند و برگردند منزل و حق ندارند که به جاهای دیگر بروند. آیا این کار در ایران امکان پذیر است؟ خیر!
- تصور کنید که جایی سیل و زلزله می‌آید، می‌خواهند فقط به افراد آن منطقه سریعاً کمک کنند آیا می‌شود فهمید آن کسانی که خواهان کمک هستند واقعا اهل همان منطقه آسیب دیده اند؟
- آیا در ایران می‌شود گفت اگر کسی می‌خواهد از مدرسه دولتی/بیمارستان دولتی استفاده کند، حق دارد فقط به نزدیک‌ترین مدرسه دولتی/بیمارستان دولتی نزدیک منزلش مراجعه کند!

○ آلمانی‌ها همه این مسایل را حل کرده‌اند! چگونه؟ فقط با یک تفاوت کوچک نسبت به ایران. در آلمان ثبت آدرس از نان شب واجب‌تر است. اصلا هویت به داشتن نام و نام خانوادگی نیست. هویت در آلمان به نام، نام خانوادگی، تاریخ تولد و آدرس و امضا است. حتی این را بگوییم که شما می‌توانید پدر نداشته باشید اما باید آدرس داشته باشید!

○ اگر آدرس نداشته باشید نه حساب بانکی می‌توانید داشته باشید نه می‌توانید در مدرسه ثبت نام کنید اصلا برای اینکه خیالتان راحت باشد کارت ملی نمی‌توانید داشته باشید. آدرس ثبت شده بخشی از هویت شماست و در کارت ملی شما ثبت می‌شود.

○ **یک نکته حقوقی** شما در بانک، محل کار و بیمه، ادارات دولتی، قوه قضائیه، فرم‌های مختلف، قراردادهای مختلف و اسناد تعهدآور امضا می‌کنید. چه کسی می‌تواند بفهمد که این امضایی که می‌کنید، واقعا امضای شماست؟ هیچکس! شما می‌توانید یک قرارداد را امضا کنید بعد بگویید که این امضای من نیست! چون می‌توانید بگویید که بینید من در همه فرم‌هایی که در جاهای دیگر امضا کرده‌ام امضایم شکل دیگری بوده! این هم مدرک!

○ در صورتی که در آلمان در زمان صدور کارت شناسایی علاوه بر آدرس، امضای شما ثبت می‌شود.

# ببینیم همین تفاوت کوچک چه منافع فوق العاده‌ای دارد:

- موظفید فرزندتان را در نزدیک‌ترین مدرسه محل سکونت‌تان (مطابق با آدرس ثبتی)، ثبت نام کنید. این یعنی کاهش ترافیک و کاهش مصرف انرژی.
- اگر شما در شرایط کرونا وارد شهر شوید و اگر جلوی شما را بگیرند که برای چه بیرون آمده‌اید، و شما بگویید که برای خرید آمده‌اید، خیلی راحت از روی آدرس ثبت شده روی کارت شناسایی شما متوجه می‌شوند که دروغ می‌گویید یا راست می‌گویید.
- در زمان انتخابات از پیش برای شما نامه‌ای ارسال می‌شود، حوزه انتخابیه شما مشخص می‌شود و شما حق دارید فقط در آن حوزه رای گیری (مثلا یک مدرسه) که از قبل مشخص شده رای خود را بیاندارید. به همین سادگی بحث جابجایی رای غیرممکن است.
- پرونده‌های قضایی و مطالبات مالی خیلی راحت‌تر قابل پیگرد قانونی دارند.
- فرد نمی‌تواند در ولنجک مونیخ!! سکونت داشته باشد اما از یارانه روستاها برخوردار باشد.
- فرد نمی‌تواند ده حساب بانکی داشته باشد و در هر حسابی یک آدرس ثبت کند و بعد هم چک بی محل بکشد. (البته چک در آلمان رایج نیست منظور از چک اینجا تعهدات مالی بی حساب است)

# شیطنت‌ها؟ احتمالی و چند نکته دیگر

- این‌ها برخی از این فواید برای آلمانی‌هاست، فواید این کار برای ایران خیلی بیشتر است فقط یک مورد: محل سکونت اول افراد می‌تواند نرخ معمولی برای آب و گاز و برق و تلفن داشته باشد اما محل اقامت دوم به بعد می‌تواند با نرخ دیگر محاسبه شود.
- الان ذهن خلاق ایرانی شروع می‌کند به این که اگر طرف این کار را کرد و آن کار را بکند، اگر طرف این شرایط و آن وضعیت را داشت، چه؟ جواب: برای همه این حالات فکر شده است.
- آیا این فقط مختص آلمان است؟ جواب: نه، برخی کشورهای دیگر هم آن را اجرا می‌کنند. منتها آلمانی‌ها طبق معمول خیلی دقیق‌تر!
- آیا چون آلمان چنین کرده، ما نیز باید چنین کنیم؟ جواب: خیر! الگوبرداری کور (Copy-Paste) همیشه غلط است به ویژه در عرصه کشورداری! هر پیراهنی (راه‌حل) که دوخته می‌شود باید کاملاً برای قامت (مسایل) آن کشور باشد.
- آیا این کار همه اش فایده است؟ خیر! هزینه‌هایی نیز دارد. اما در مجموع فکر کنم که منافع آن بیش از هزینه‌های آن است. معلوم بودن محل زندگی باعث می‌شود جلوی بسیاری از وسوسه‌ها گرفته شود.

# شما با نام، امضا، تاریخ تولد و آدرس تعریف می شوید!



آلمانی ها کشورشان را چگونه اداره می کنند؟

دکتر مجتبی لشکریلوکی

**یک خاطره:** یکی از مدیران ارشد ثبت احوال تهران برایم تعریف می کرد روزی دختری جوان و خوش منظر گریه کنان آمد به دفترم که من رفتهام دانشگاه برای ثبت نام، و کارمند دانشگاه متوجه شده که مطلقه هستم از آن تاریخ درخواست های نامشروع و تهدیدهای تمام نشدنی اش شروع شده. چرا؟ چون شناسنامه اش را بررسی کرده. اصلا چرا شناسنامه افراد برای ثبت نام الزامی است؟ نمی دانم! از آن تاریخ تا امروز همواره وقتی به ادارات مختلف می روم یا قراردادهای مختلف امضا می کنم از خودم می پرسم چرا واقعا باید شناسنامه من (حاوی اطلاعات شخصی محرمانه) در اختیار دیگران قرار گیرد و در ۹۰٪ موارد جوابی نیافتم. قاعده اشتباهی که باید اصلاح شود!



# شیطان در جزئیات نهفته است.

○ برای توسعه باید تغییرات زیادی صورت گیرد. برخی تغییرات خارج از توان ما هستند (فعلا انسداد وجود دارد)، برخی تغییرات هم خارج از ظرفیت ذهنی ما هستند (یا عقل مان نمی‌رسد یا آمادگی ذهنی وجود ندارد). ولی آنهایی که هم می‌دانیم و هم می‌توانیم را باید انجام دهیم.

○ در این میان **نباید فکر کنیم کارهای کوچک امکان‌پذیر چون کوچک‌اند و جزیی، پس باید آن‌ها را رها کنیم.** فراموش نکنیم که شیطان در جزئیات نهفته است.

○ زمانی خواهد رسید که این تغییرات کوچک، مقطعی و محلی دست به دست هم می‌دهند و در اثر هم‌افزایی به طور غیرقابل باوری، اثرگذار خواهند شد: یعنی اگر تغییر الف، دو واحد به توسعه کمک می‌کند و تغییر ب و ج هم ۳ و ۵ واحد، جمع این سه تغییر ۱۰ نمی‌شود، بلکه بیست می‌شود. اگر در یک یا چند حوزه از مسیر توسعه کشور انسداد وجود دارد، آن مواردی که می‌دانیم و می‌توانیم را انجام دهیم، تا پنجره فرصتی برای دیگر تغییرات فراهم شود! (برای مطالعه بیشتر: استراتژی نیلوفرآبی در این منبع: [↗](#))

وقتی آدرس من همراه با امضای من به هویت من چسبیده است. آنگاه نمی توانم بسیاری از کارها را انجام دهم.

این ایده عجیبی نیست فقط باید دستگاه‌های کشور با هم کنار بیایند و داده‌های مختلف را با هم به اشتراک بگذارند. رابطه مالی دولت با مردم یا پول دادن است (مانند یارانه) و یا پول گرفتن (مانند عوارض و مالیات یا هزینه خدمات) و در هر دوی این‌ها آدرس (محل سکونت واقعی فرد) می تواند یک فاکتور تعیین کننده باشد.

جامعه نظم‌پذیر و با دیسپلین حاصل قواعد کشورداری نظم‌آفرین است.

## درس چهارم

آلمانی‌ها کشورشان را چگونه اداره می کنند؟

دکتر مجتبی لشکر بلوکی



درست طراحی کن،  
لذتش را ببر!

آلمانی ها کشورشان را چگونه اداره می کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی

# ترکیب از نظام پارلمانی، فدرالیسم و دموکراسی

آلمانی ها برای اداره کشور، یک ساختار اداری قوی (بروکراسی بسیار قدرتمند، متشکل، ریشه دار و منظم) دارند و یک ساختار سیاسی جالب. این ساختار سیاسی که بر اساس نظام پارلمانی، فدرالیسم و دموکراسی طراحی شده است. **این ساختار سیاسی که پی و بنیان نظام کشورداری آلمان است،** نکات جالبی دارد اما من می خواهم سه نکته بسیار مهم را در این ساختار برجسته کنم

- اولین عنصر: قانون اساسی با دو ویژگی پارادوکسیکال.
- دومین عنصر: احزاب سیاسی همه کاره.
- سومین عنصر: رسانه های آزاد واقعا آزاد.

برای بررسی روند تاریخی شکل گیری بروکراسی دولتی آلمان این پادکست را از دکتر محمد فاضلی گوش کنید (🔊)

# عنصر اول: قانون اساسی با دو ویژگی پارادوکسیکال



آلمانی ها کشورشان را چگونه اداره می کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی

# قانون اساسی؛ درسی که آلمان از تاریخ گرفت

○ قانون اساسی آلمان (Grundgesetz) در سال ۱۹۴۹ تنظیم شده و هیچ ارزشی بالاتر از آن وجود ندارد. این قانون بسیار جدی گرفته می شود و مبنای بسیاری از مکالمات، تصمیمات و مباحثات اجتماعی است. قانون اساسی در آلمان حبل المتین و فصل الخطاب است.

○ امتیاز برجسته قانون اساسی آلمان در مقایسه با قوانین اساسی بسیاری از کشورهای جهان آزاد دقت در جزئیات است برای جلوگیری از تجاوز به حقوق دموکراتیک فرد و جامعه. **این دقت ناشی از تجربه تلخی است که آلمانی‌ها** پس از بنیان گذاری جمهوری وایمر با کودتای دارودسته هیتلر و حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران در سال ۱۹۳۳ کسب کردند؛ اتفاقی که به رشد فاشیسم و جنگ جهانی دوم، نابودی بخش مهمی از اروپا، کشتار میلیون‌ها انسان و سرانجام تسلیم شدن بدون قید و شرط آلمان در برابر متفقین انجامید.

○ «پدران و مادران قانون اساسی آلمان» در نشستی که ظرف یک هفته به تدوین **یکی از تفسیرناپذیرترین قوانین اساسی جهان انجامید**، کوشیدند همه راه‌ها را برای تکرار چنین فاجعه‌ای ببندند. (↩)

# برخی فرازها؟ قانون اساسی آلمان را بخوانیم:

○ آزادی اندیشه، آزادی عقیده و آزادی دینی و جهان‌بینی مصون از هر گونه تعرض است. **بجا آوردن بدون مزاحمت مناسب دینی تضمین می‌گردد.**

○ تمام انسان‌ها در برابر قانون برابرند. مردان و زنان دارای حقوق برابرند. **هیچ کس به دلیل جنسیت، اصالت، نژاد، زبان، وطن و زادگاه، اعتقاد، عقاید دینی و سیاسی خود نباید مورد تبعیض یا ترجیح قرار گیرد.**

○ هر فردی حق دارد عقیده خود را آزادانه به وسیله نطق و قلم و تصاویر بیان و منتشر سازد و بدون مانع از منابعی که در دسترس همگان است بر اطلاعات خویش بیفزاید. **سانسور به هیچ وجه وجود نخواهد داشت.**



آلمانی‌ها کشورشان را چگونه اداره می‌کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی

در قانون اساسی به وضوح روی برابری حقوق زن و مرد تاکید شده. هر چند این به معنی این نیست که مناصب مردان و زنان یکی و برابر باشند اما جالب است بدانیم در دولت فعلی، هشت وزارتخانه از ۱۶ وزارتخانه به زنان سپرده شده.



در آلمان با آنکه اکثریت افراد مسیحی هستند اما طبق قانون اساسی کلیسای دولتی وجود ندارد. نقش دولت باید در مقابل همه مذاهب نقشی بی طرفانه باشد؛ دولت اجازه ندارد مذهبی را نسبت به دیگری ارجحیت داده و یا دست کم بگیرد.

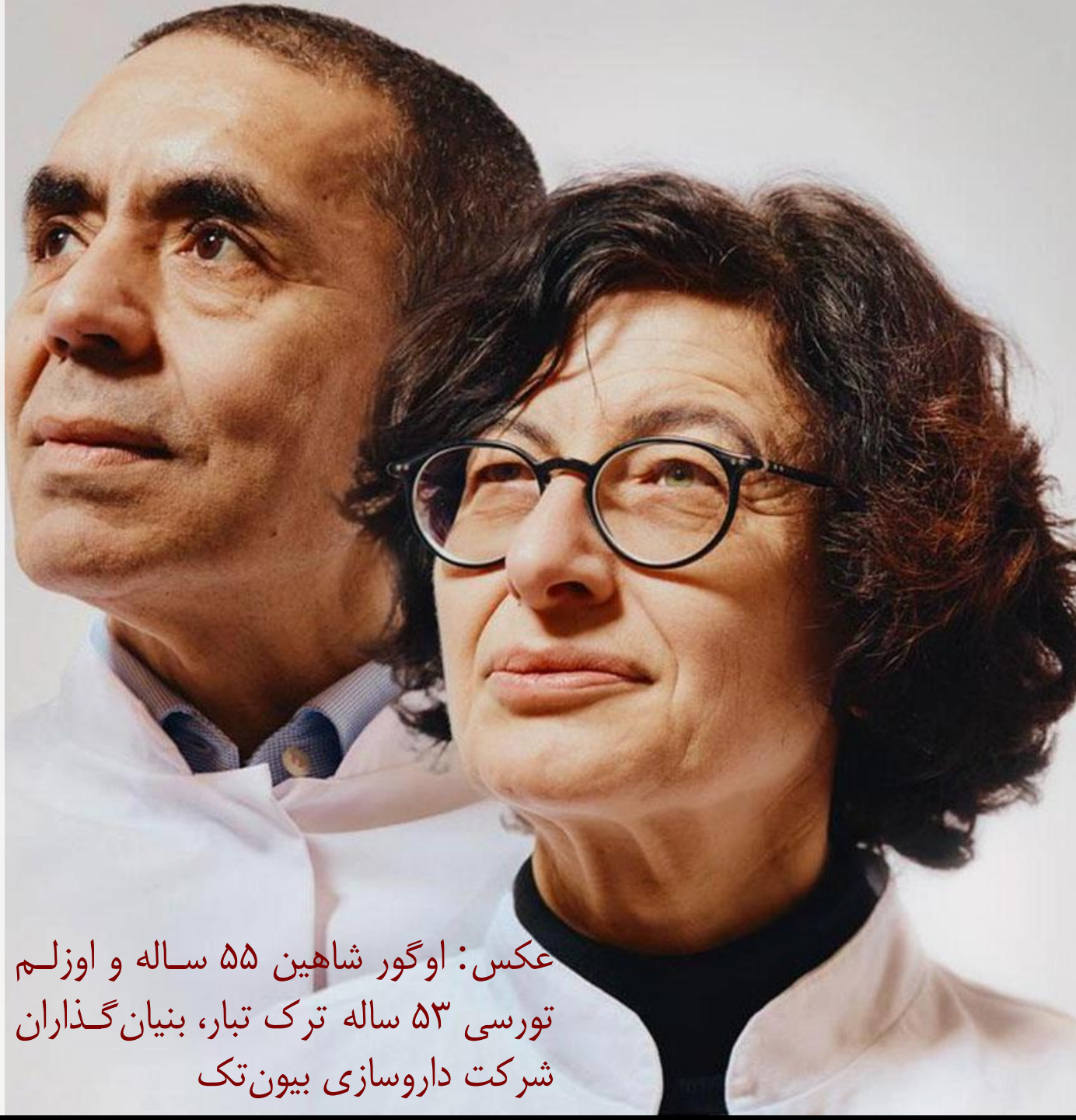


آلمانی ها کشورشان را چگونه اداره می کنند؟

دکتر مجتبی لشکر بلوکی

همین رواداری و آغوش باز باعث شده آلمان رنگین‌کمانی از اقوام، ملل و مذاهب مختلف باشد. از هر ۵ بنیانگذار استارت‌آپ‌ها در آلمان یکی مهاجرت‌بار است. شرکت‌های زیادی در آلمان توسط شهروندان مهاجرت‌بار این کشور تاسیس شده‌اند. یک نمونه: شرکت تولیدکننده واکسن بیون‌تک واقع در شهر ماینز.

**یا مثلاً شهر فرانکفورت میزبان شهروندانی از ۱۸۰ ملیت مختلف است. ممکن است بگویید فرانکفورت استثنا است مثالی دیگر: در شهر مانهایم با جمعیتی تقریباً به اندازه نیشابور یا کاشان (۳۰۰ هزار نفر) از ۱۷۵ کشور دنیا حضور دارند و زندگی می‌کنند و به کسب و کار مشغولند!**



عکس: اوگور شاهین ۵۵ ساله و اوزلم توریسی ۵۳ ساله ترک‌تبار، بنیان‌گذاران شرکت داروسازی بیون‌تک

آلمانی‌ها کشورشان را چگونه اداره می‌کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی

# دادگاه قانون اساسی

○ نهادی به عنوان دادگاه قانون اساسی در آلمان وجود دارد که بسیار قدرتمند است و البته قضاتش به شیوه‌ای دموکراتیک تعیین می‌شوند به نام **Bundesverfassungsgericht** می‌دانم که اسمش طولانی است اما این خاصیت آلمانی‌هاست که کلمات را به هم می‌چسبانند. **در آلمان هر شهروندی که معتقد باشد رفتاری متعارض با قانون اساسی نسبت به او اعمال شده، می‌تواند به این دادگاه مراجعه کند. دادگاه قانونی اساسی در واقع عالی‌ترین مرجع قضائی آلمان است.**

○ به عنوان مثال، دادگاه قانون اساسی قانون امنیت هوایی سال ۲۰۰۵ را باطل کرد، بعد از ۱۱ سپتامبر قانونی تصویب شد که به ارتش اجازه می‌داد از تسلیحات علیه هواپیماهای مسافربری استفاده کند، اگر مشخص شود که هواپیما را می‌خواهد از آن به عنوان سلاح استفاده کند. دادگاه این را مغایر با قانون اساسی دانست و گفت که قربانی کردن جان افراد داخل هواپیما به نفع گروهی دیگر، نقض بی‌قید و شرط حفظ کرامت انسانی مندرج در قانون اساسی است.

○ رای دیگر دادگاه قانون اساسی آلمان: دولت این کشور اجازه ندارد به بهانه مقابله با جرایم و یا تروریسم، از اطلاعات شهروندان در فضای مجازی و تلفن‌های هوشمند جاسوسی کند.

○ و نمونه ای دیگر از رای دادگاه قانون اساسی: شکایت از سرویس اطلاعاتی برون‌مرزی وارد است

# بنیانی که ۶۲ بار تغییر کرده است!

○ آیا این حبل المتین اجتماعی آلمان در طول زمان ثابت بوده است؟

○ خیر، ۶۲ بار تغییر کرده است، مثلاً در ادغام اروپا و اتحاد مجدد آلمان. ماده مربوط به حق پناهندگی نیز اصلاح شده است. تغییرات در قانون اساسی باید با اکثریت دو سوم هر یک از دو مجلس پارلمان (بوندستاگ و بوندسرات) به تصویب برسد. باب اصلاح و ویرایش و روزآمدسازی قانون اساسی کاملاً باز است. ۶۲ بار تغییر در ۷۲ سال!

**در آلمان با یک قانون اساسی دقیق و تفسیرناپذیر اما تغییرپذیر و پویا روبرو هستیم. که حاصل یادگیری عمیق و تجربه تلخ ادوار گذشته آلمان است. این قانون اساسی بازتاب زخم‌های تاریخی آلمان است. زخم‌هایی که هر کدام به یک ماده تبدیل شده.**

# عنصر دوم: رنگین کمانی از احزاب



آلمانی ها کشورشان را چگونه اداره می کنند؟

دکتر مجتبی لشکر بلوکی

# احزاب! احزاب! احزاب!

○ در آلمان احزاب سیاسی بی شماری وجود دارند در این لینک می توانید فهرستی از آنان را مشاهده کنید (↪). آنچه از حزب در ایران را شنیدید را دور بریزید. در مقایسه با احزاب بزرگ آلمان، حزب در ایران بیشتر شبیه به گعده و دورهمی است تا سازوکاری برای اداره کشور. احزاب در آلمان یعنی همه چیز! چرا؟

○ احزابی که در انتخابات پارلمانی بیشترین میزان رای را به دست آورند به مجلس می روند و با ایجاد ائتلاف دولت آلمان را تشکیل می دهند. یعنی دو قوه مقننه و مجریه را در دست می گیرند. حتی مهم ترین مدیر اجرایی کشور یعنی صدراعظم نیز حاصل نتایج رای احزاب در انتخابات پارلمان است. نقش احزاب در انتخابات ایالت ها هم همین وضعیت را دارد. احزاب کاندیداهای خود را جهت انتخاب در شوراها و پارلمان ها در سطح محلی، ایالتی، کشوری و سطح اروپا معرفی می کنند

○ مقایسه کنید با ساختار سیاسی ایران. در ایران افراد یک شبه در لیست قرار می گیرند و اگر هر عملکردی داشته باشند جوابگوی کسی نیستند. یک دوره می آیند و سپس می روند. (به ایران نگاه کنید: کدام حزب پاسخگوی عملکرد هاشمی، خاتمی، احمدی نژاد، روحانی و رئیسی هست و خواهد بود؟) ولی در آلمان حزب یک شخصیت حقوقی معنادار است که در قبال مردم و افکار عمومی پاسخگو است و همین مسوولیت باعث می شود که احزاب هفت ویژگی کاملاً برجسته بروز دهند.

# هفت ویژگی نظام حزب محور

- احزاب شکارچی بهترین افراد هستند و بهترین افراد را شناسایی و جذب و انتخاب می کنند.
- اگر افکار عمومی اقتضا کند عذر افراد نامطلوب یا ناکارآمد را خواهند خواست.
- نگاه بلندمدت دارند و شب انتخابات از زیر بوته سبز نمی شوند.
- نظام یادگیری حرفه ای دارند و سیاست مدارانی حرفه ای پرورش می دهند.
- در طول زمان یاد می گیرند و خطاهای ادوار گذشته را تکرار نمی کنند. دانش کشورداری در احزاب ته نشین می شود و حافظه جمعی شکل می گیرد. با رفتن یک نفر، همه دانسته ها مدفون نمی شود.
- محلی برای تبدیل اختلاف منافع به ائتلاف منافع می شوند. نظام های سیاسی با خواسته های متعارض روبه رو هستند که پاسخگویی به همه آنها بعضاً غیرممکن است؛ نقش احزاب سیاسی در تجمیع خواسته ها و علایق پراکنده بسیار موثر است و تبدیل آن به دستور کاری شفاف و معقول!
- نظارت بر قدرت سیاسی و کنترل آن: احزاب خارج از هیات حاکمه به عنوان دولت در سایه عمل می کنند و برای تمهید زمینه های پیروزی در انتخابات آینده، عملکرد دولت را زیر ذره بین نظارت قرار می دهند و منتقد باقی می مانند.

# در کنار نام افراد، نام احزاب زده شده؛ افراد شناسنامه‌دار



آلمانی‌ها کشورشان را چگونه اداره می‌کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی



# افکار شناسنامه دار و قابل مقایسه

○ یک تاثیر بسیار مهم احزاب این است که افکار مختلف امکان بروز پیدا می کنند و از آن مهم تر شناسنامه دار می شوند. به عبارت دیگر در نظام حزبی، شما می توانید دقیقا بفهمید که دیدگاه هر کدام از احزاب در مورد موضوعات مختلف چیست. آیا واقعا ما در ایران می توانیم تفاوت دیدگاه حزب عدالت و شادکامی را با حزب شادی و پایداری در مورد مالیات بر ثروت بدانیم؟ نه چون اصلا این ها حزب نیستند و اگر هم حزب باشند اندیشه منسجم و روشنی ندارند و اگر هم احیانا اندیشه ای داشته باشند ما دقیقا نمی دانیم که نظرشان چیست.

○ جالب است بدانید که در آلمان یک پلتفرم وجود دارد که به نام «وال اومت»: شما در این وبسایت یا اپ به ۳۸ سوال جواب می دهید، سپس به شما می گوید که کدام حزب از ۴۰ حزب موجود به مواضع شما نزدیک ترند» (↗) به شما یک جدول تطبیقی هم می دهد.

○ در انتخابات قبلی، تقریبا یک چهارم رأی دهندگان از وال اومت استفاده کردند.

○ در ادامه دلیل اینکه می خواهند بدانند کدام حزب به نظرات شان نزدیک تر است را خواهیم گفت.

# مردم هم به احزاب رای می دهند و هم به افراد

Sie haben 2 Stimmen

hier 1 Stimme für die Wahl eines/einer Wahlkreisabgeordneten

hier 1 Stimme für die Wahl einer Landesliste (Partei)  
- maßgebende Stimme für die Verteilung der Sitze insgesamt auf die einzelnen Parteien -

## Erststimme

1	<b>Marschall von Bieberstein, Matern</b> MdB, Verleger March	<b>CDU</b> Christlich Demokratische Union Deutschlands	<input type="radio"/>
2	<b>Söhne, Julia</b> wiss. Mitarbeiterin Freiburg im Breisgau	<b>SPD</b> Sozialdemokratische Partei Deutschlands	<input type="radio"/>
3	<b>Kopf, Chantal</b> Politikwissenschaftlerin Freiburg im Breisgau	<b>GRÜNE</b> BÜNDNIS 90/DIE GRÜNEN	<input type="radio"/>

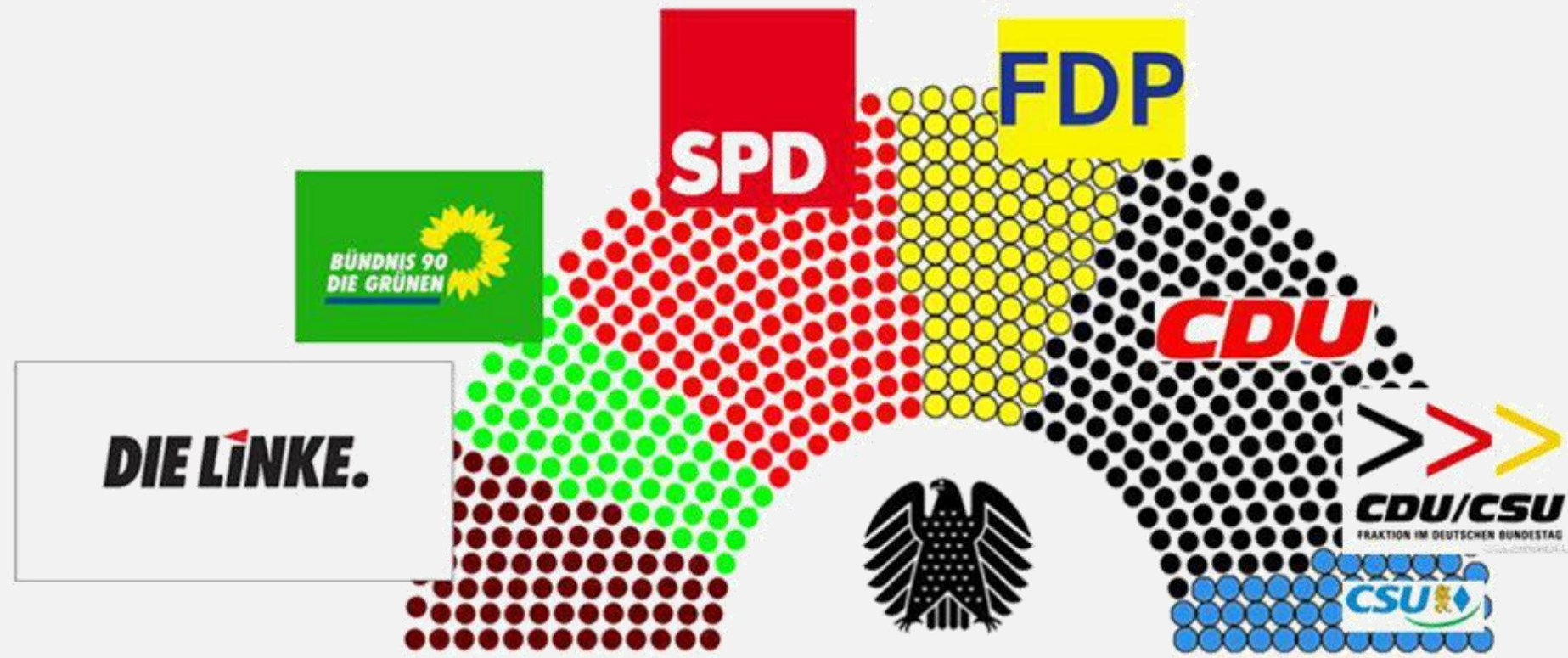
## Zweitstimme

<input type="radio"/>	<b>CDU</b> Christlich Demokratische Union Deutschlands Dr. Wolfgang Schäuble, Annette Widmann-Mauz, Andreas Jung, Steffen Bilger, Dr. Ingeborg Gräßle
<input type="radio"/>	<b>SPD</b> Sozialdemokratische Partei Deutschlands Saskia Esken, Dr. Nils Schmid, Rita Schwarzelühr-Sutter, Dr. Martin Rosemann, Katja Mast
<input type="radio"/>	<b>GRÜNE</b> BÜNDNIS 90/DIE GRÜNEN Dr. Franziska Brantner, Cem Özdemir, Agnes Brugger, Christian Kühn, Dr. Sandra Detzer
<input type="radio"/>	<b>FDP</b> Freie Demokratische Partei

هر رأی دهنده حق دو رأی دارد. با رأی اول (Erststimme) که در سمت چپ می بینید رأی دهندگان یک نامزد را از حوزه انتخابیه خود (انتخابات مستقیم) انتخاب می کنند. و رأی دوم برای انتخاب احزاب است. رأی دوم مهم تر از رأی اول است و این تعیین می کند که هر حزب کلا در مجلس چند کرسی (صندلی) دارد.

آلمانی ها کشورشان را چگونه اداره می کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی

این دو رأی کاملاً مستقل هستند و لزومی ندارد که به یک حزب داده شوند؛ یعنی یک رأی دهنده مجاز است رأی اولش را به نامزد حزب الف بدهد و ولی در رأی دوم حزب ب را انتخاب کند. در تصویر نتیجه وزن کشی احزاب را در یکی از انتخابات می بینید و اینکه هر کدام چه مقدار صندلی (نماینده) در مجلس دارند.



**Opposition:**

Social Democrats:	146 seats
Green:	68 seats
Left-Party (formal communists):	76 seats
<b>Together:</b>	<b>290 seats</b>

**Government:**

CDU (conservative):	193 seats
CSU (very conservative):	44 seats
FDP (liberal):	93 seats
<b>Together:</b>	<b>330 seats</b>

# درس آموزی از تاریخ و قاعده پنج درصد

○ پایه‌گذاران آلمان فدرال از تاریخ عبرت گرفتند. پس از جنگ دوم جهانی برای جلوگیری از هرج و مرجی که در گذشته منجر به تصمیم‌های فاجعه‌باری در پارلمان این کشور شد و همچنین برای جهت دادن به سیاست‌های هر دوره چهارساله مجلس و امکان تشکیل دولت‌های استوار، قاعده‌ای در قانون انتخابات گنجانند که قاعده ۵٪ نامیده می‌شود. بر این پایه، تنها احزابی می‌توانند به مجلس نماینده بفرستند که دست‌کم ۵ درصد از آرای مردم را کسب کرده باشند.

○ نظام انتخاباتی در آلمان پیچیده‌تر از این‌هاست در این نوشته فقط به برخی جنبه‌های آن اشاره شد. هر چند درون آلمان انتقادات زیادی به آن وجود دارد (آلمانی‌ها هیچگاه راضی نمی‌شوند) **اما همین انتخابات منجر به شکل‌گیری دولت‌های استوار و قدرتمند شده است. نظام دو-رأیی آلمانی به یکی از محصولات صادراتی کشور بدل شده است.** نیوزیلند در سال ۱۹۹۳ نظام نخست‌نفری را کنار گذاشت و به نظام آلمانی گروید. پارلمان اسکاتلند نیز از زمان تأسیسش در سال ۱۹۹۸ از همین روش استفاده کرد.

○ نکته بسیار مهم این نظام انتخاباتی این است که **هم دولت‌های مقتدر و استوار شکل گرفته و هم اپوزیسیون قدرتمند. هیچگاه کشور یک دست نبوده است.** قدرت در عین کثرت!

# عنصر سوم: رسانه ها واقعا آزاد



آلمانی ها کشورشان را چگونه اداره می کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی

○ صداها و مختلف رسانه ای شامل حدود ۳۳۰ روزنامه روزانه است که عمدتاً به صورت منطقه ای توزیع می شوند، ۱۷ هفته نامه و ۱۶۰۰ مجله. بعد از چین، هند، ژاپن و ایالات متحده آمریکا، آلمان پنجمین بازار بزرگ روزنامه در سراسر جهان است. در هر روز انتشار، ۱۳.۵ میلیون روزنامه و ۳.۴ میلیون هفته نامه فروخته می شود (آمار سال ۲۰۱۹). (↩) جالب اینجاست که روزنامه دولتی وجود ندارد (↩) همچنین بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ شبکه تلویزیونی وجود دارد. کمتر از ده درصد شبکه های تلویزیونی دولتی هستند و بقیه خصوصی اند. (↩)

نشریات در آلمان یک سیستم مالکیتی پیچیده و فراگیر و غیردولتی دارند. این سیستم مالکیتی پیچیده را برخی ناشی از تجربیات تلخ جنگ جهانی دوم می دانند. در دوران هیتلر و نازیها رسانه ها ابزار مهمی در دست دولت بودند و به عنوان سخنگوی دولت افکار عمومی را جهت می دادند، به همین دلیل بعد از پایان جنگ جهانی دوم که رسانه های آلمان دوباره راه اندازی شدند طبق قوانین جدید بعد از جنگ رسانه ها به هیچ وجه نمی توانستند صدای واحدی را تبلیغ کنند و ابزار دست دولت و حکومت باشند این رسانه ها از آن زمان تاکنون کاملاً غیر متمرکز اداره می شوند. یکی از ویژگی های اصلی رسانه های آلمان را می توان در نظام مالکیت گسترده و متنوع شان دید. (↩)

# روزنامه نگاری قاعده مند اما آزاد

○ در آلمان قوانین به گونه ای تنظیم شده اند که دولت نمی تواند خبرنگاری را به خاطر نوشتن و انتقاد زندانی کند یا نشریه ای را به این خاطر تعطیل کند. مثلا اگر خبرنگاری مطلبی بنویسد و در این مطلب به نقل از کسی دروغ بنویسد آن کسی که از او نقل قول شده می تواند به دادگاه شکایت کند و خبرنگار را به تحریف حرفش متهم کند و آن وقت دادگاه هم رسیدگی خواهد کرد. شاکی خصوصی حتما باید وجود داشته باشد. یعنی مدعی العموم نمی تواند به خبرنگاری بگوید چرا نقل قولی دروغین در مطلب خودت آورده ای به همین دلیل خبرنگاران حیطة آزادی وسیعی دارند.

○ البته از آن طرف قانون قواعدی را برای روزنامه نگاری تعیین کرده به عنوان مثال: برای مصاحبه با یک کودک خردسال و یا فردی که به سن قانونی نرسیده والدینش باید حضور داشته باشند. همچنین استفاده از عکس کودکان هم منوط به اجازه والدین است. اما هرگز در آلمان خبرنگاری به خاطر انتقاد از دولت و نوشتن مطالب گزنده و انتقادی از فعالیت روزنامه نگاری محروم نمی شود (↖)

بر اساس سازمان مردم‌نهاد گزارشگران بدون مرز: آلمان در مقایسه با ۱۸۰ کشور جهان از ۱۶۷ کشور دیگر جهان عملکرد بهتری دارد و در سکوی ۱۳ این رتبه‌بندی جهانی ایستاده است.



# رسانه‌ها، رییس جمهور را هم به زیر می کشند

○ «کریستیان وولف» رییس جمهوری پیشین آلمان در سال ۲۰۱۲ میلادی ازدواج مجدد کرد در حالی که هنوز همسر نخست خود را طلاق نداده بود (در آلمان دوهمسری قانونی نیست)، وام کلان خرید خانه، گذراندن تعطیلات در ویلاهای گران قیمت و شرکت در ضیافت های شبانه مجلل از موضوعاتی بود که روزنامه های آلمان در خصوص آن نوشتند. این جنجال رسانه ای به تلفن تهدیدآمیز وولف به سردبیر روزنامه بیلد انجامید که این واکنش نامناسب بر اساس ضوابط حاکم در آلمان، نقض آزادی مطبوعات بود. دادگاه رسیدگی به اتهامات رییس جمهوری تشکیل شد. در حالی که لغو مصونیت سیاسی و محاکمه رییس جمهوری در تاریخ آلمان سابقه نداشت، عاقبت وولف از مقام خود استعفا کرد.

○ ویژه‌خواری‌ها و سفرهای پرهزینه تفریحی مقامات کشوری، استخدام اعضای سازمان اصلی پلیس امنیتی و اطلاعات خارجی آلمان شرقی (اشتازی) در مناصب دولتی، حق کمیسیون های کلانی که جمع آوری کنندگان حرفه ای از یونیسف به جیب زدند، تقلب داوران بوندس لیگا، رسوایی های مالی کنسرسیوم خودروسازی فولکس و ... به خاطر این در آلمان برملا شد که روزنامه نگاران به شکلی آزاد، مستقل و با پشتیبانی قانون به تحقیق و تفحص در این زمینه ها پرداختند و گزارش دادند. (↖)

# آلمان برعکس برخی کشورها؟ اروپا پادشاه/ملکه ندارد.

○ یک نکته جالب در مورد ساختار سیاسی آلمان:

○ اصطلاح «خاندان سلطنتی» به خانواده شاه یا ملکه اطلاق می‌شود که سیستم پادشاهی کشور را اداره می‌کنند. خاندان سلطنتی به طور معمول از همسر پادشاه، همسران پادشاهان پیشین، فرزندان، نوه‌ها، خواهر و برادرها و عموزاده‌ها تشکیل می‌شود. همسران تمام اعضای خانواده نیز جزو خاندان سلطنتی محسوب می‌شوند. فرزندان و نوه‌های نوه پادشاه هم عضوی از این خاندان هستند.

○ ۲۶ کشور نظام پادشاهی دارند که ۱۲ تای آنها در اروپا هستند؛ پس ۱۲ خاندان سلطنتی در اروپا زندگی می‌کنند که معروف‌ترین آن‌ها ملکه الیزابت دوم در انگلیس است.

○ هر چند در این کشورها پادشاه و ملکه نقش مستقیم اندکی در اداره کشور بر عهده دارند اما هزینه‌های زیادی به مالیات دهندگان شارژ می‌کنند. مثلاً خاندان سلطنتی انگلستان از منابع مختلف عمومی و خصوصی پول دریافت می‌کند. هزینه‌های (مستقیم و غیرمستقیم و پیدا و پنهان) خاندان سلطنتی در انگلستان حدود ۱۵۰ میلیون پوند تخمین زده می‌شود.

## توسعه محصول نهاد سیاست با دسترسی باز است و این یعنی:

- رقابت آزاد در دستیابی به قدرت وجود دارد.
- اعمال قدرت، قاعده‌مند، غیر شخصی و قابل پیش بینی است. ربط کمی به سلیقه و فهم یک نفر دارد.
- تغییر قدرت نیز قاعده‌مند، غیر شخصی است.
- فرصت‌های سیاسی (دسترسی به قدرت) برای همه به یکسان فراهم است.
- نقد قدرت، تغییر قدرت (جابجایی قدرت) و نظارت بر قدرت امری کم هزینه است.
- چون قدرت موقت، غیر مطلق و غیر مقدس است، بنابراین پاسخگوست.
- رنگ، جنسیت، قومیت، زبان، نژاد و مذهب مانع فعالیت سیاسی نیست (از کتاب استراتژی توسعه ایران (👉) به همین قلم).
- و آلمان می‌تواند الگوی خوبی باشد.

## درس پنجم

# بجوئزهای راهبردی پامانی

آلمانی ها کشورشان را چگونه اداره می کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی

# فرش قرمز پیش رو آلمان پهن نبود، پیش رو ما هم!

○ بر اساس آمار آلمان جزو ۱۰ کشور مرفه و کامیاب دنیاست (↖) از نظر توسعه انسان‌گرا رتبه ششم کشورهای جهان را دارد (↖) و براساس گزارش جهانی شادمانی هفتین کشور دنیاست (↖) جزو ده کشور برتر دنیا از نظر کیفیت زندگی است (↖). اما آلمان از روز اول چنین نبود. تلاش کرد، شکست خورد، آتش گرفت. خاکستر شد و دوباره ققنوس وار برخاست و دوباره شکست خورد و دوباره برخاست.

○ بعد از انقلاب فرانسه، آلمان تا رسیدن به نظامی دموکراتیک، مسیری طولانی و پر پیچ و خمی را طی کرده و از چهار دوره عبور کرده است: عصر ناپلئونی، عصر ترمیم ارتجاع و انقلاب، عصر امپراتوری قیصری، و سرانجام عصر جمهوری وایمار.

○ سرزمین‌های آلمانی در این دوره طولانی، افزون بر **اصلاحات مداوم از بالا، دو انقلاب از پایین و دو جنگ جهانی را نیز از سرگذراندند و تجربه‌ها اندوختند** تا بعدها بتوانند پس از جنگ جهانی دوم، روح این اندوخته‌ها را در کالبد جمهوری بن و بعدها جمهوری برلین و در نهایت جمهوری فدراتیو آلمان روان سازند.

○ **پس ناامید نشویم! سختی‌ها باعث نشود که فکر کنیم سرنوشت محتوم ما چنین است. ما نیز باید مسیر خود را بیابیم یا بسازیم.**

# رسانه‌ها رکن چهارم هستند و نه ستون پنجم!

○ ستون پنجم به گروهی از مردم در داخل جامعه گفته می‌شود که در نهران به همکاری با دشمنان یا تضعیف گروهی که ظاهراً باید به آن وفادار باشند می‌پردازند. این اصطلاح از زمان جنگ داخلی اسپانیا در عرصه نظامی و سیاسی رایج شده‌است.

○ اصطلاح ستون پنجم از نظر معنی و مفهوم مجازی همان جاسوسی است. افراد این ستون، دانسته یا ندانسته به زیان و ضرر خودی و به نفع بیگانگان کار می‌کنند.

○ **تا زمانی که نگاه ما به رسانه‌ها، ستون پنجمی باشد و نه رکن چهارم کشورداری** (در کنار سه رکن دیگر: قوای مجریه، مقننه و قضائیه)، رسانه‌ها از کارکرد اصلی خود دور خواهند بود. و در ورطه روزنامه نگاری زرد (یعنی پرداختن به امور روزانه، کم اهمیت و صرفاً سرگرم کننده) خواهیم افتاد. **اگر روزنامه‌ها و رسانه‌ها زرد شوند، کشور نیز زرد خواهد شد.**

○ در این مورد نوشته «**ایران گرگ قبرستان می‌خواهد**» را در این لینک ([↗](#)) مطالعه کنید

# ما کارگاه، آزمایشگاه و باشگاه آدم سازیم؟ کم نداریم

○ بخشی (و نه همه) شخصیت ایرانی در مدارس، در ترافیک، در تعامل با سازمان‌ها (بانک، بیمه، بیمارستان و ...) شکل می‌گیرد. طراحی این «خرده ساختارها» (Microstructure) می‌تواند به گونه‌ای باشد که نظم، قاعده مندی و احترام به زمان و دیگران و ابتنا به سه گانه عدد و علم و عقل بیشتر شود و ما به توسعه نزدیک شویم.

○ مدارس ما می‌توانند **کارگاه آدم‌سازی** (شهروندان جسور، خلاق، منتقد، آگاه به حقوق خویشان و دیگران و توسعه‌گرا) باشند. اگر دست از سر کتاثرات و کسینوس برداریم و حافظه محور نباشیم!

○ نظام ترافیکی ما می‌تواند **باشگاه نظم‌پذیری** و محلی برای تمرین رفتار قانونی، آرامش و دقت باشد.

○ سازمان‌های ما می‌توانند **آزمایشگاه توسعه** باشند و به ما رعایت حقوق دیگران، مسوولیت‌پذیری، انضباط و ... تزریق کنند. ما از هر فرصتی باید استفاده کنیم تا شخصیت ایرانی را بهبود ببخشیم. در تعاملات روزانه و معمولی است که ما ناخودآگاه به سمت قاعده مندی و مسوولیت‌پذیری، دگرپذیری و دگرفهمی حرکت می‌کنیم.



آلمانی‌ها کشورشان را چگونه اداره می‌کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی

ما کارگاه، آزمایشگاه و باشگاه کم نداریم، فقط باید فعالشان کنیم!



# با جامعه متمیزه (توده وار) نمی توان به توسعه رسید.

○ تغییر از جامعه متمیزه و پراکنده و پریشان به جامعه متشکل از طریق ایجاد تشکل های صنفی، سیاسی، حرفه ای و تخصصی و به ویژه احزاب.

○ جامعه متشکل می تواند حرف های پراکنده و پریشان را بررسی کند، منظم کند، قاعده مند و به حاکمیت منتقل کند. **جامعه ای که مسیری برای انتقال حرف هایش به حاکمیت نداشته باشد جایی بهتر از کف خیابان و روشی بهتر از آتش زدن اموال عمومی پیدا نمی کند.**

○ فقط یادمان باشد **اگر در ایران هزار حزب هم داشته باشیم** اما نظام انتخابات و پارلمان ما حزبی نباشد همان جامعه متمیزه و حزب های یک شبه ادامه می یابد. مگر در طول این سال ها ما صدها حزب و شبه حزب ندیدیم؟

# احزاب در سیاست مانند باشگاه فوتبال است.

○ اگر چند مورد استثنا را کنار بگذاریم، **سیاست مدار حرفه ای از داخل لپ لپ (شانسی و تصادفی)** ظهور پیدا نمی کند.

○ همانگونه که در فوتبال فهمیدیم که تا نظام باشگاهی نداشته باشیم فوتبال حرفه ای و فوتبالیست حرفه ای نخواهیم داشت. برای سیاست مدار حرفه ای نیز باید یک مسیر پرورش حرفه ای حکمرانی فراهم کرد. تحصیلات و مدرک و آموزش یک بحث است مهم تر از آن بودن در کوران کشورداری است که می تواند یک کشوردار حرفه ای خلق کند. به استثناءها و شانس نمی شود تکیه کرد.

○ احزاب کمک می کنند که آنچه آموخته شده از نسلی به نسل دیگر منتقل شود.

○ احزاب عمرشان بلندتر از عمر افراد است و آبروی خود را بالاتر از آبروی افراد می داند. بنابراین افراد در خدمت احزاب هستند. در نظام حزبی جامعه احزاب را مسوول می دانند. و می دانند که آمدن یک فرد که معلوم است که متعلق به چه حزبی است، چه تبعاتی خواهد داشت؟

○ لحظه ای مقایسه کنید در زمان انتخابات ما کدامان واقعا شناخت عمیقی از خاتمی، احمدی نژاد و روحانی داشتیم؟ و جالب است که توجیه می کنیم که ستاره های بدرخشید و ماه مجلس شد!

# قانون باید ترسناک و دردناک باشد!

○ ما باید بیاموزیم که قانون‌های کم اما ترسناک و دردناک داشته باشیم، قانون‌هایی که آنقدر دردناکند که تصورشان باعث شود خاطیان احتمالی، عطای خطا را به لقایش ببخشند. **کشورداری با قانون‌های گرد و مهربانانه به پیش نمی‌رود.**

○ در آلمان بسیاری از امور منجر به جریمه‌های سنگین، محرومیت‌های جدی و تجربه زندان می‌شود. بسیار شنیده‌ام که می‌گویند آلمانی‌ها با فرهنگ هستند. اما فکر می‌کنم **آلمانی‌ها بیش از آنکه با فرهنگ باشند، حسابگرند!** هر کسی از قوانین مطلع باشد می‌داند که بی‌انضباطی عقوبت دردناکی دارد چه سرعت غیرمجاز باشد چه عدم تفکیک زباله‌ها و چه نپرداختن مالیات، و چه پذیرفتن هدیه ۵۰ یورویی ساده توسط دولتمردان! البته این قاعده‌پذیری در طول زمان ته‌نشین می‌شود و تبدیل می‌شود به فرهنگ.

○ یادآوری: من هم مانند شما یک انسانم و شخصاً علاقه دارم که قانون‌های سخت برای من نگذارند و من راحت باشم. اما وقتی از زاویه‌ای بالاتر به جامعه و آینده کشور نگاه می‌کنم چاره‌ای جز قانون‌های دردناک و ترسناک نمی‌بینم و **صد البته عقلایی، با ضمانت اجرایی و با تعداد کم. کم اما زهردار!**

# اگر تصمیمات معقول می‌خواهی، قیمت‌ها را معقول کن

○ نمی‌دانم فرزندان ما بعدها در تاریخ در مورد این نسل از تاریخ چه خواهند گفت؟ امیدوارم این را نگویند  
که **نسلی مفت خور که آب و خاک و جنگل و منابع انرژی را برباد داد و برای ما سرزمینی سراسر سوخته باقی گذاشت.**

○ راهش این است: هر کسی می‌خواهد از هر چیزی استفاده کند باید قیمت واقعی‌اش را بپردازد. رفتارهای معقول با قیمت‌های واقعی ممکن می‌شود. اگر سیاستمداران بتوانند یک بار از محبوبیت خود صرف نظر کنند و تصمیمات درست بگیرند. می‌توانند قیمت‌ها را معقول کنند و ریل درستی بگذارند.

○ سرانه مصرف آب، برق، بنزین، نان در ایران را مقایسه کنید با دیگر کشورهای جهان.

○ در سال ۹۹ در مناطق شهری و روستایی هزینه سالانه بنزین یک خانوار دهک دهم (ثروتمندترین خانوارها) به ترتیب بیش از ۱۳ و ۳۲ برابر یک خانوار دهک اولی (کم درآمدترین خانوارها) بوده است. این یعنی چه؟ یعنی ما عملاً به جای آنکه به کم درآمدها کمک کنیم با قیمت گذاری نامعقول عملاً یارانه را دو دستی تقدیم می‌کنیم به پولداران و ثروتمندان. (↩)

# احراز هویت فقط به نام و عکس نیست

○ سامانه هویت فعلی اصلا مناسب نیست. از آلمان آموختیم که امضا و آدرس باید به هویت افزوده شود. ولی آیا این کافیست؟ قطعا خیر! جهان در حال تغییر است. متاورس (فراجهان) هم در راه است.

○ **با استفاده از فناوری های دیجیتال می توان فراتر از بروکراسی کاغذی و**

**قدیمی آلمان پیش رفت.** امضای دیجیتال مانند کشور استونی و موقعیت مکانی منطع مبتنی

بر کدپستی و شناسه ملی جغرافیایی املاک و مستغلات (جام) می تواند مورد استفاده قرار گیرد و **کارت**

**شناسایی هم باید دیجیتال شود و متصل به یک حساب بانکی و همچنین متصل به**

**کارپوشه ملی.** احراز هویت و احراز اصالت اسناد (مثلا مدرک دیپلم شما، سند مالکیت ماشین شما، سند

مالکیت موبایل، دانشنامه دکترا و سند زمین) از طریق همین هویت دیجیتالی و کارپوشه ملی می تواند

انجام شود.

○ هر کسی باید معلوم شود که کجا سکونت دارد. و همچنین چه امضایی (فیزیکی و دیجیتالی) دارد و هر

سندی و هر گونه ادعای مالکیتی باید به شیوه ای سریع و دیجیتال احراز اصالت شود. همین سه نکته ساده

باعث می شود که هر گونه یارانه، هر گونه کمک اورژانسی، هر گونه محدودیت اجتماعی، هر گونه پیگیری

قضائی، هر گونه عوارض هدفمند و آسان شود. همچنین هر ادعای مالکیت احراز و هر گونه سند تعهدآوری

که امضا می شود، امکان تطبیق امضا وجود داشته باشد.

# چهار گوشه کشوردار آلمان



**قانون های ترسناک**  
بازدارنگی موثر



**قیمت های واقعی**  
سیگنال انتخاب های درست

کشورداری آلمانی زوایا و ابعاد مختلفی دارد. آنچه در این نوشتار ارایه شد، لمس واقعیت از بیرون بود. گزارشی بود ناقص از برخی جنبه های کشورداری آلمانی. اما تا همین جا نکات زیادی آموختیم:

○ قیمت های واقعی منجر می شود به انتخاب های معقول.

○ قانون ها اگر ترسناک نباشند بازدارندگی ندارند.

○ انسان نظم پذیر و با دیسیپلین متاثر از قالب های درستی است که وضع می شود.

○ قواعد اداره کشور به ویژه در عرصه تفویض و تقسیم و توزیع و تغییر (گردش) قدرت باید منطقی، منعطف و منصفانه باشد.

**قواعد هوشمندانه**  
برای نظام قدرت و سیاست



**قالب دهی به رفتار**  
(کارخانه های آدم سازی)



# هدف یادگیری است و نه حسرت بیشتر

با این حال دوباره و چندباره تاکید می‌کنم **نه آلمان بهترین کشور جهان است و نه ایران بدترین**. کماینکه برطبق آمار آلمانی‌ها خود را خوشبخت مطلق نمی‌دانند. میزان رضایت از زندگی در بین آلمانی‌ها فقط حدود ۷ از ۱۰ است (۱۰) (۱۰). بنابراین تصور ما این نباشد که آلمانی‌ها غرق در عیش و عشرت‌اند. این سندروم «مرغ همسایه غازی‌انداری» متأسفانه گریبان ایرانیان را گرفته. با این وجود می‌توانیم از آلمان و از هر کشور دیگر جهان چیزهای زیادی بیاموزیم، همانگونه که آلمانی‌ها از ما و از هر کشور دیگر جهان. این نوشتار ادعای جامعیت ندارد. چند درس معدود از کشوری دیگر. همین!

# گزارش های دیگر



لینک دریافت از کانال  
تلگرامی (📩)



دریافت از سایت مدیریت  
سرمایه دایموند (📩)



لینک دریافت یک (📩)  
لینک دریافت کمکی (📩)



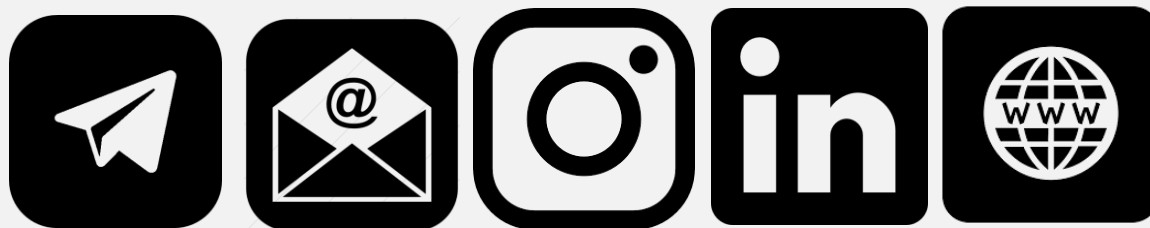
لینک دریافت از کانال تلگرامی  
(📩)

آلمانی ها کشورشان را چگونه اداره می کنند؟  
دکتر مجتبی لشکر بلوکی



از آلمان می توان بسیار نوشت و گفت و آموخت. آنچه نوشتیم در حد زمان و سواد **محدود** و عقل و دانش و تجربه **محدودتر**م بود. هدف این گزارش تولید **آگاهی** و **امید** است و نه توزیع **حسرت** و **افسوس**. باشد که به کار آید. با تشکر از **محمد زارعی** پژوهشگر دوره دکتری حوزه اروپا و مهندس **میثاق محرابی** بابت نقد و بررسی گزارش

# دکتر مجتبی لشکر بلوکی



برای ارتباط در شبکه های اجتماعی و ارسال پیام روی آیکون ها کلیک کنید